

اقلیت‌های دینی ایران

پروفیسور سیدحسین امین

استاد پیشین کرسی حقوق

دانشگاه گلاسگو کالدونیا

هادی عالم‌زاده در مجله‌ی دانشکده‌ی الهیات دانشگاه تهران، طی گفتاری با عنوان «خزران در منابع اسلامی» در ۱۳۶۸ از این یهودیان سخن گفته است. تسمیه‌ی دریای مازندران به دریای خزر نشانه‌ی قدرت این دولت یهودی در خزرستان است. عده‌ی دیگری از یهودیان هم به اطراف کارون مهاجرت کردند.

من برای نخستین بار به عنوان سخنران مدعو در ماه گذشته به انجمن ادبی کلمی‌های هم‌وطن در سالن کنیسه‌ی یوسف‌آباد راه یافتم و درباره‌ی تأثیرگذاری امیرکبیر در مبارزات ضد استعماری و حفظ استقلال ایران و نیز در صنعت و آموزش و پرورش جدید و تأسیس دارالفنون سخن گفتم. من و همراهانم در این انجمن، با پذیرایی گرم هم‌وطنان کلمی خودمان به خصوص آقایان دکتر رفیع (پزشک و جراح نامدار)، معتمدی (نماینده‌ی سابق کلمیان در مجلس شورای اسلامی) و آقای آصف و خانم آصف (مجریان جلسه) روبه‌رو شدیم. این انجمن ادبی و هنری که شاهد شاهنامه‌خوانی یک دخترخانم ایران‌دوست و شعرخوانی چندین چهره‌ی شناخته شده‌ی فرهنگی مسلمان و اسلام‌باور بود، شاهد خوبی از تسامح دینی و گفت و گوی ادیان نیز توانست بود.

۳- ارمنیان ایران

بخشی از ارمنیان همیشه یعنی از هزاره‌ی اول پیش از میلاد در بخش‌هایی از خاک ایران (آذربایجان غربی) می‌زیستند و بخشی دیگر در طول قرون و اعصار از برون مرز به بخش‌های مختلف ایران‌زمین کوچ کردند. شاه‌عباس صفوی در ۱۰۱۲ق، پنجاه هزار ارمنیان ساکن قارص تا جلفا و ایروان را به اصفهان، چهارمحال، گیلان و مازندران کوچ داد. نادرشاه هم شش هزار تن از ارمنیان

۱- کثرت‌گرایی دینی

بحث‌هایی هم‌چون تالارنس (تسامح) دینی، پلورالیسم (کثرت‌گرایی) دینی، حقوق اقلیت‌ها و گفت‌وگوی تمدن‌ها و ادیان در خلأ شکل نمی‌گیرد. چه خوب است که اول در همین خانه‌ی پدری خودمان، هم‌وطنان و همسایگان نزدیک‌مان را شناسایی کنیم و بعد با کلیسای ارتودوکس یونان و فلان کشیش لیبرال آن‌سوی جهان به گفت‌وگو بنشینیم. کتاب **کثرت‌گرایی دینی و حقوق بشر** من که چندین سال پیش به همت دوست ادیب و شاعرم دکتر قدمعلی سرآمی از سوی «انتشارات ترفند» در تهران چاپ شد، اکنون نایاب است.

گفت‌وگوی ادیان و تمدن‌ها - در برابر فرضیه‌ی برخورد ادیان و تمدن‌های ساموئل هانتینگتون - تنها یک بحث نظری نیست، بلکه اهمیت اجتماعی و انسانی در سطح ملی و بین‌المللی دارد. به این دلیل، با تکیه بر این واقعیت که چراغی که در خانه رواست، به مسجد حرام است، به نکته‌هایی تاریخی از قلب خانه‌ی پدری یعنی از خاک پاک ایران می‌پردازم.

۲- کلمیان ایران

کورش بزرگ پس از فتح بابل، به یهودیان اجازه‌ی بازگشت به اورشلیم و تعمیر معابدشان را داد. پیش از آن جمعی از یهودیان در زمان پادشاهی تیگلات پلاسر (پادشاه آشور) در سده‌ی هشتم پیش از میلاد وارد فلات ایران شده بودند. اینان در اطراف دماوند مستقر شدند و شهری با نام گیلعاد که اکنون گیلپارد نامیده می‌شود، بنا کردند. یهودیان دیگری که سلما نصر پنجم (۷۲۲-۷۲۸ق.م) به ایران تبعید کرد، دولت مقتدری در نواحی خزر تأسیس کردند. دوست دانشمند من دکتر

قارص و ارزروم را به خراسان کوچانید.

آقامحمدخان قاجار، مرزهای ایران را دوباره به حدود و ثغور عصر صفوی رسانید. اما در زمان فتحعلی‌شاه، شکست ایران از روسیه در ۱۲۲۸ق / ۱۸۱۳م (قرارداد گلستان) و در ۱۲۴۳ق / ۱۸۲۸م (قرارداد ترکمانچای) به از دست رفتن بخشی از سرزمین‌های ایرانی انجامید. از آن پس، تعداد زیادی مهاجر (اعم از مسلمان و غیرمسلمان) از شهرهای ایرانی که به روسیه واگذار شد، به آذربایجان دیگر ایالات ایران آمدند و از آن جمله در اواخر سلطنت ناصرالدین‌شاه و اوایل سلطنت مظفرالدین‌شاه یعنی یازده دوازده سال پیش از انقلاب مشروطیت، در پی جنگ‌های روسیه و عثمانی و آغاز اختلاف ارمنیان با دولت عثمانی، یک اقلیت ارمنی (از تفلیس، ایروان، نخجوان، قره‌باغ و اردوباد) به خراسان هجرت کردند و به تدریج در شهرهای مختلف از جمله نیشابور مستقر شدند و جمعی از ایشان هم ساکن سبزوار شدند و در آن شهر به کار تجارت و صنعت (از جمله تأسیس کارخانه‌ی پنبه‌پاک‌کنی) پرداختند.

۴- ارمنیان سبزوار

کار ارمنیان در سبزوار به حدی رونق گرفت که لرد کرزن هم ضمن اشاره به رونق تجارت در سبزوار از کارخانه‌های ارمنیان مقیم سبزوار یاد می‌کند. بیش‌تر ارمنیان سبزوار، در کاروان‌سراهای «دروازه‌ی عراق» (غرب شهر) تجارت می‌کردند و یهودی‌ها در کاروان‌سرای «دروازه‌ی نیشابور» در شرق شهر.

نصرالله توسلی در یادداشت‌های خود از مشارکت ارمنی‌های سبزواری در ذی‌قعدة‌ی ۱۳۱۳ق در مراسم جشن پنجاه سال سلطنت ناصرالدین‌شاه که به عزای او و جشن تاج‌گذاری مظفرالدین‌شاه انجامید، سخن گفته است و دست‌خط او در نشریه‌ی **حافظ** عیناً گراور شده است.

در اواخر قاجاریان، تعداد ارمنیان مقیم سبزوار مجموعاً سی تا سی و پنج خانوار بیش‌تر نبود که بیش‌تر در محله‌ی دروازه‌ی عراق و دروازه‌ی تهران آن شهر سکونت می‌کردند. خانواده‌های مهم ارمنی سبزوار عبارت بودند از: خواجه توریانس، مگردیچیان،

مجلس بزرگداشت نجمی علوی در دایرة المعارف ایران شناسی

گزارشگر: سارا حیدری

نویسنده‌ی مبارز بانو نجمی علوی (عضو هیات تحریریه‌ی مجله‌ی زنان: بیداری ما و مؤلف کتاب ما هم در این خانه حقی داریم)، دختر مرحوم سیدابوالحسن علوی (از مبارزان جنبش مشروطه) و خواهر زنده‌یاد بزرگ علوی (نویسنده‌ی معروف) و دختر عموی مرحوم سیدحسن علوی (عضو هیات امنای مسجد جامع تهران پارس)، در روز جمعه ۶ دی ۱۳۸۷ برابر ۲۶ دسامبر ۲۰۰۸ در سن ۸۸ سالگی در لندن از دنیا رفت. برای او، با همیاری بانوان عضو «انجمن دوستداران ماهنامه‌ی حافظ» مجلس بزرگداشتی در روز شنبه ۱۴ دی ۱۳۸۷ از ساعت ۵ تا ۸ بعد از ظهر در دایرة المعارف ایران شناسی با حضور پرشور فعالان عرصه‌ی قلم و مطبوعات بویژه بانوان فرهیخته و علاقه‌مندان به فرهنگ و اندیشه برگزار گردید.

در آغاز این مراسم، پروفیسور سیدحسن امین پس از خواندن ابیاتی فارسی در ترجمه‌ی آباتی از قرآن کریم، به معرفی خدمات فرهنگی و اجتماعی نجمی علوی و خاندان او پرداخت. سپس آقای علی الوتدی (سالک تویسرکانی) اشعاری در مدح امام علی و ابیاتی از الهی‌نامه‌ی رضی‌الدین آرتیمانی با صوت خوش قرائت کرد. وی هم‌چنین دیوان کامل رضی‌الدین آرتیمانی را که با مقدمه‌ی بی‌قلم تعدادی از اهالی قلم و فرهنگ از جمله پروفیسور سیدحسن امین به چاپ رسیده است، به استاد امین هدیه داد. آن‌گاه خطیب و شاعر توانای معاصر علیرضا تبریزی بعد از تلاوت خطبه‌ی غزالی محیی‌الدین ابن عربی به سخنرانی پرشوری در زمینه‌ی لزوم گرمی‌داشت چهره‌های خدمتگزار عرصه‌ی فرهنگ در ایران معاصر پرداخت که با استقبال شنوندگان مواجه شد.

آن‌گاه سخنوران زیر نیز به سخنرانی پرداختند.

- ۱- دکتر محمدتقی متقی بهبهانی، عضو هیات علمی دانشگاه‌ها
- ۲- دکتر محمد اشتری، وکیل دادگستری
- ۳- مهندس حسین جلی، مخترع و استاد وزن شعر
- ۴- مهندس حجت حیدری، مدیر اجرایی دایرة المعارف

ایران شناسی

- ۵- مهدی شمسایی، کارگردان تئاتر، نویسنده و پژوهشگر
- ۶- احسان امراللهی، مسوول روابط عمومی نشریه‌ی حافظ این شاعران نیز نمونه‌ی آثار خود را قرائت کردند: سیداحمد حسینی، اسدالله جامعی، پژمان فتحی، هدی قشقائی، بتول مومن (آذرمهر)، علی‌خان بابایی، طاهره لطفی (افسون)، باقر علی‌یاری، ناصر حسن‌زاده، آرزو اتابکی، محمدمهدی قدیانی.

سیدمصطفی مداحی نیز با نوازندگی خود همراه دیکلمه‌ی بانوی هنرمند خاتم مینا نوروزی حاضران را به فیض رساندند. جلسه با آواز ابوالحسن اسعدی کتابدار هنرمند دانشگاه تهران که شعری از حافظ را به صوت خوش خواند، پایان یافت.

سر کیسیانس (تحت زعامت سرکیس اهناز اربانتز درگذشته‌ی ۱۹۲۱ق)، تومانیان (طومانیانس صاحب کاروان‌سرای که به‌نام وی به کاروان‌سرای تومانیان مشهور شد)، ماردوروس (مارتروس که در دروازه‌ی عراق کارگاه مشروب‌سازی داشت، همسرش آن‌ها را به هم‌کیشان‌شان می‌فروخت)، حق‌نظریان (که یکی از افراد خانواده‌ی ایشان در حادثه‌ی ناموسی به قتل رسید)، موشق‌آویان (آوانیان)، آوادیس مانوکیان، تیگران بابایان (رئیس شعبه‌ی بانک روس در سبزواری)، اندریاس، میناس، یوگور، گریگوریان و غریبیان...

دکتر قاسم غنی در جوانی قصد ازدواج با دختری (به‌نام هلن ترمگردیچیان) از یکی از همین خانواده‌های ارمنی مقیم سبزواری داشته است و من آن موضوع را در کتاب **کارنامه‌ی غنی: تحولات عصر پهلوی** به بحث کشیده‌ام که البته درجه‌ی تسامح و تساهل دینی متمدانه‌ی هم‌وطنان ما را نشان می‌دهد.

در انقلاب مشروطیت، ارمنیان به آزادی‌خواهان پیوستند. پیرم‌خان ارمنی از سرداران مشروطه شد و تعداد ۵۸ نفر از ارمنیان در درگیری‌های مشروطیت به شهادت رسیدند. در طول این مدت، روابط بین ارمنیان و اهالی سبزواری بسیار دوستانه بود، الا این‌که در یک مورد که مردی ارمنی به‌نام نرسیس حق‌نظریان با زنی کولی و مسلمان رابطه پیدا کرده بود، هم‌زمان با اختلاف مشروطه‌طلبان و مستبدان و دودستگی‌های محلی برخاسته از آن، مستبدان مقیم سبزواری مرد ارمنی را کشته و زن را سنگسار کرده بودند. این داستان را کنسول انگلیس در کتاب **آبی** چنین گزارش کرده است:

«در ۲۸ بهمن ۱۲۸۵ به تهران خبر رسید که در سبزواری جمعی از متعصبین، یک نفر ارمنی تبعه‌ی روس را به جرم این‌که با زنی مسلمة مراوده‌ی نامشروع داشت، به قتل رسانیده و آن زن را دستگیر و مقتول ساخته‌اند و جسد هر دو را در حضور عامه سوزانیده‌اند.»

مادربزرگ من (مادر مادرم مسمات به «حاجیه آغابگم عربشاهی» که شیرزنی زاده‌ی سبزواری بود و سال‌های آخر عمر را در تهران زیست و در وادی‌السلام قم دفن شد)، آن زن کولی بی‌چاره را دیده بود که فریاد برمی‌آورد: ناموس شاه و گدا فرق ندارد. با من چنین نکنید.

این حادثه‌ی تاریخی، موضوعی کاملاً استثنایی بود؛ یعنی جنبه‌ی ناموسی داشت و ما ایرانیان به سنت اسلاف خودمان (به‌خلاف فرنگی‌های به اصطلاح بی‌غیرت که روابط جنسی هر فرد اعم از خویش و بیگانه را ناظر به اراده‌ی خود آن شخص بالغ می‌دانند)، نسبت به جرم‌های ناموسی حساسیت فراوان داریم. اما از این مورد استثنایی که بگذریم، در سبزواری هیچ‌گونه سخت‌گیری یا تبعیضی نسبت به ارمنی‌ها دیده نشده است و روابط بسیار حسنه‌ی در آن زمان بین مردم سبزواری اعم از بومی و مهاجر، مسلمان، مسیحی، متشرع و متصوف وجود داشته است.

۵- سخن پایانی

امیدواریم که این حسن ارتباط و رابطه‌ی حسنه همیشه بین همه‌ی باشندگان این خاک پاک اعم از اکثریت و اقلیت‌های دینی، مذهبی، قومی و زبانی برقرار بماند. ■